هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

مجاهد

ارکان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم سال سوم شمارهٔ ۳۸ چهارشنبه ۲۳ جدی ۱۳۸۳ ۲ ذی الحجه ۱۴۲۵ - 12 January 2005

سرمقاله

برگزاری انتخابات پارلمانی بین خوف و رجا

ص۲

سردستهٔ شکنجه گران ابو غریب به دادگاه رفت

ص۵



حج تجمع بزرگ مسلمانان

ص۷

در جلسهٔ شورای وزیران

پیرامون تشکیل کمیسیون برگزاری انتخابات پارلمانی بحث صورت گرفت

حامد کرزی رئیس جمهور جمهوری اسلامی افغانستان در جلسهٔ نوبتی کابینه به روز دو شنبه ۲۱ جدی تأکید کرد که باید روی پلان به خاطر بهبود زندگی مردم تمرکز صورت گیرد و نباید بیش از حد لازم برای تحلیل و ارزیابی کارهای گذشته مشغول شد.

در این جلسه آقای کرزی همچنان وزرای تجارت، داخله، شهرسازی و مسکن ومعادن وصنایع را که در روز مراسم تحلیف حاضر نبودند سوگند وفاداری داد.

جلسه همچنان مسألهٔ چگونگی ترکیب اعضای کمیسیون برگزاری انتخابات پارلمانی را به بحث گرفت که قرار است رئیس و اعضای کمیسیون به زودی طی فرمانی معرفی و به کار آغاز نمایند.

در جلسهٔ کابینه، وزیر مالیه بودجه های انکشافی و عادی نیمه دوم سال ۱۳۸۳ را با ارقام بودجوی وزارت خانه های کشور ارائه کرد که از سوی کابینه تصویب شد.

ارائهٔ معلومات در مورد نحوه وچگونگی سرشماری کامل جمعیت موضوع دیگر مورد بحث در کابینه بود که از سوی محمد علی وطن یار رئیس عمومی احصائیه ارائه گردید و کابینه به او وظیفه سپرد تا در جلسهٔ آینده پیرامون جمعیت شهری و روستایی در افغانستان به کابینه معلومات جمع آوری وارائه گردد.

مشروعیت حکومت در شفافیت آن است

ص۵

ستره محکمهٔ موقت رسماً شروع به کار نمود

روز شنبه ۱۹ جدی ستره محکمهٔ جمهوری اسلامی افغانستان طی محفلی آغاز کار خویش را رسماً اعلام نمود. در یک گردهمایی در سالن ستره محکمه که در آن جمع کثیری از قضات و اعضای شورای علمای افغانستان شرکت داشتند، استاد عبدرب الرسول سیاف و آیت الله شیخ محمد آصف محسنی از رهبران جهادی کشور سخنرانی نمودند و هردو بر لزوم مطابقت قوانین با شریعت که در قانون اساسی کشور تصریح شده است تأکید نمودند.

استاد سیاف در سخنان خویش با استناد به آیه یی از قرآن مجید گفت که خداوند به داوود علیه السلام امر فرمود که ای داوود من تورا در زمین خلیفه گردانیدم . پس وقتی در میان مردم حکم می کنی به حق حکم کن و پیرو هوای نفس مباش. همه آنچه که خارج از دایرهٔ دین باشد در هوا شامل است. از قوانینی که مغایر با دین خدا باشد پیروی مکن. و



اگر چنین کنی این کار تورا از راه خدا(ج) دور می سازد. در پایان می فرماید که اگر کسی با پیروی از هوای نفس از راه خدا منحرف گردد برای او عذابی سخت و دردناک است زیرا کسی که از دایرهٔ حق بیرون می رود، روز حساب را از یاد برده است بخصوص باید قضات به این مساله بسیار متوجه باشند که فردا در برابر خدای بزرگ حساب خواهند داد.

ص۳

دستگیری قاضی نقیب الله به اتهام دست داشتن در انفجارات در شهر کابل

قاضی نقیب الله به اتهام دست داشتن در انفجار های شهر کابل از سوی مقامات امنیتی دستگیر شد

به گفتهٔ مقامات دادگاه عالی افغانستان آقای نقیب الله به حیث رئیس محکمهٔ ابتدائیهٔ ولسوالی شتل وظیفه اجرا می کرد.

دو انفجاری که در چهار راهی انصاری و کوچهٔ مرغ فروشی شهر کابل در تابستان امسال رخ داد، ده نفر کشته و ده نفر زخمی به جا گذاشت. هفتهٔ گذشته دو نفر دیگر از کسانی که در این حادثه دست داشتند از سوی مقامات امنیتی دستگیر شدند، یکی از دستگیر شدگان محمدحیدرشهروندتاجیکستان ودیگری عبدالاحمد مسکونهٔ ولسوالی تگاب ولایت کاپیسا می باشد.

ملا عبدالرزاق کشته شد

ملا عبدالرزاق یک تن از فرماندهان مشهور طالبان در یک عملیات نظامی در ولایت زابل روز چهار شنبه گذشته ۱۶ جدی کشته شد.

به گفتهٔ والی زابل، ملا عبدالرزاق با سه تن از همکارانش در اثر یک عملیات مشترک نیروهای ائتلاف و نیروهای دولتی در آن ولایت کشته شدند. ملا عبدالرزاق در حکومت طالبان پست معاون وزیر دفاع و وزیر امور داخله را به عهده داشت.

مانویل دسلوا سخنگوی یوناما:

عواملی وجود دارد که انتخابات پارلمانی به تأخیر افتد

روز پنجشنبه گذشته ۱۷ جدی آقای مانویل دسلوا سخنگوی نمایندگی سازمان ملل در افغانستان در یک نشست مطبوعاتی از چالش ها و عواملی که شاید سبب تأخیر انتخابات پارلمانی در افغانستان گردد، یاد کرد و گفت: دو نکتهٔ مهم در برابر ما قرار دارد یکی زمان و دیگری انجام انتخابات خوب و عادلانه ، اما اگر به موانع و مشکلات ناشی از اوضاع و شرایط کنونی نگاه کنیم، دشوار به نظر می رسد که در مدت زمان باقی مانده، انتخابات عادلانه برگزار شود. وی همچنین سرشماری جمعیت و تعیین مرزهای ولسوالی ها را به عنوان دو چالش عمده در برابر انتخابات پارلمانی بر شمرد و تأکید کرد که بدون انجام این دوکار برگزاری انتخابات ناممکن است.

از سوی دیگر دولت تا کنون تاریخی مشخص برای برگزاری انتخابات پارلمانی تعیین نکرده است و هنوز کمیسیون برگزاری انتخابات تشکیل نشده است. این عوامل در مجموع شک و تردید هایی را به وجود آورده است که ممکن است انتخابات پارلمانی به تأخیر بیفتد. آقای حامد کرزی رئیس جمهور کشور پیش از این گفته بود که برگزاری انتخابات پارلمانی از اولویت های کاری دولت می باشد و تا تابستان سال آینده باید انجام یابد.

ستره محکمه محکمهٔ عالی امانه قوی

ص۲

عراق در آستانهٔ انتخابات و موج جدیدی از انفجارات وبی امنی



در آستانهٔ انتخابات عراق که قرار است در ۳۰ جنوری سال جاری میلادی برگزار گردد، حمله های انتحاری و بمب گذاری ها در پایتخت و دیگر شهر های عراق افزایش یافته است. مخالفان دولت از مردم خواسته اند که در انتخابات شرکت نکنند. اسامه بن لادن رهبر گروه القاعده نیز به مردم عراق هشدار داده است که انتخابات را تحریم نمایند. افزایش نا امنی و بحران در عراق در آستانهٔ برگزاری انتخابات بیانگر آن است که در زمان انتخابات امنیت مطمئن موجود نخواهد بود.

فرمانده نیروهای آمریکایی در عراق باردیگر اصرار ص۸



مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ - ۲۲۰۲۲۱۴ - ۰۲۰
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

برگزاری انتخابات پارلمانی بین خوف و رجا

بحث برگزاری وعدم برگزاری انتخابات پارلمانی درزمان معین آن که در این روزها بالا گرفته است مسأله یی تازه نیست. این مسأله از همان روزهای نخست طرح آن تا امروز همواره مورد شک وتردید بوده است. زمانی که در اثنای تصویب قانون اساسی در سال پار مسألهٔ همزمان برگزار شدن انتخابات پارلمانی با انتخابات ریاست جمهوری از تعبیر "انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری همزمان برگزار می شود" به تعبیر "کوشش همه جانبه صورت می گیرد تا اولین انتخابات رئیس جمهور (ریاست جمهوری) وشورای ملی با هم در یک وقت صورت بگیرد" تغییر یافت، این شک وگمان ها تقویت شد که شاید این دو انتخابات همزمان برگزار نشود که چنین هم شد.

اکنون این سؤال باز مطرح می شود که آیا انتخابات پارلمانی بار دیگر در موعد معین، پایان ماه ثور سال آینده برگزار خواهد شد و یا باز به تأخیر خواهد افتاد؟

در این روز ها بحث ها و ابراز نظرهایی متباین در بارهٔ برگزاری انتخابات پارلمانی از سوی مراکز تصمیم گیری و اثر گذار بر مسائل افغانستان یک بار دیگر این موضوع را در هاله یی از خوف و رجا قرار داده است.

اظهارات اخیر مانویل دسلوا سخنگوی دفتر یوناما در ۱۷ جدی که در آن شرایط حاضر را با در نظر داشتن زمان باقی مانده برای برگزاری یک انتخابات عادلانه وخوب مساعد نخوانده و عدم وجود سرشماری جمعیت افغانستان ونامشخص بودن مرزهای ولسوالی ها را بر آن افزوده است، به باور صاحبنظران از تلاشهایی به شمار می رود که خواهان به تأخیر انداختن این انتخابات است.

اما تأکید رئیس جمهور در جلسهٔ شورای وزیران در روز دو شنبه ۲۱ جدی بر تشکیل کمیسیون برگزاری انتخابات پارلمانی نشان از آن دارد که دولت بیشتر از دیگران به حساسیت این کار وقوف دارد.

چالشهایی که در برابر برگزاری انتخابات پارلمانی ابرازمی شود برخی از آنها واقعی و برخی دیگر واهی و ساختگی است.

مخالفان برگزاری انتخابات پارلمانی که شانس خود را در راه یافتن به پارلمان از طریق انتخابات میسر نمی بینند به چالش های واهی و ساختگی می چسپند و آنها را بزرگ جلوه می دهند و در رأس همهٔ آنها عدم امنیت وحضور جنگسالاران در صحنه را دلیل می آورند.

در حالی که انتخابات ریاست جمهوری بی آن که این عوامل بر آن اثر بگذارد برگزار شد و آقای خلیلزاد سفیر و نمایندهٔ ایالات متحدهٔ آمریکا در افغانستان چندین ماه پیش گفته بود دیگر کمر جنگ سالاری در این کشور شکسته است.

اما عدم وجود سرشماری وتعیین مرزهای ولسوالی ها وهزینهٔ برگزاری انتخابات چالش هایی است واقعی که دولت و مؤسسات جامعهٔ جهانی که متولی یاری رساندن به افغانستان در راه ثبات واستقرار هستند می توانند برآن ها فایق آیند.

آنها نیک می دانند که بخشی بزرگ از مشروعیت نظام وآیندهٔ ثبات و امنیت در افغانستان بستگی به وجود پارلمان دارد. با آن که انتخابات ریاست جمهوری انجام یافته و رئیس جمهور انتخاب گردیده و حکومت جدید و ستره محکمهٔ جدید به کار آغازیده است باز هم همهٔ این ها به دلیل نبودن پارلمان صفت موقت را دارند و بر طبق قانون اساسی تا دایر شدن نخستین جلسهٔ ولسی جرگه (شورای نمایندگان) دورهٔ انتقال استمرار خواهد یافت.

لذا برگزاری انتخابات پارلمانی و تشکیل پارلمان پیش از هر چیز دیگر جهت کسب مشروعیت نهادهای دولت و ثبات و استقرار آیندهٔ کشور برای دولت و مردم اولویت دارد که از آن به هیچ بهانه یی نباید غفلت ورزید.

ستره محکمه
محکمهٔ عالی امانه قوی

محمد نسیم فقیری

روز شنبه ۱۹ جدی ستره محکمهٔ موقت به کار آغاز نمود.

با تأسف که انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری به صورت همزمان برگزار نشد و ما در مرحلهٔ شکل گیری ارکان نظام با بسا از موارد وسؤال مشروعیت هرچند نه در سطح بحران، مواجه می باشیم.

قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان تعیین اعضای ستره محکمه را از صلاحیت های رئیس جمهور ومشروط به تأیید ولسی جرگه می داند. (مادهٔ ۱۱۷ و فقرهٔ ۱۲ مادهٔ ۶۴)

به همین ترتیب تعیین وزرا، لوی څارنوال، رئیس بانک مرکزی، رئیس سره میاشت و رئیس امنیت ملی نیز از صلاحیت های رئیس جمهور و مشروط به تأیید ولسی جرگه می باشد. (فقرهٔ ۱۱ مادهٔ ۶۴)

بنا بر این به ناچار درکنار کابینهٔ موقت، ستره محکمهٔ موقت را نیز باید شاهد بود وتحمل نمود!

جایگاه قوهٔ قضائیه در قوانین اساسی افغانستان - با تفاوت هایی - یک جایگاه به ظاهر رفیع وممتاز پیش بینی شده است:

۱- در قوانین اساسی سال ۴۳ و ۸۲ "قوهٔ قضائیه یک رکن مستقل دولت" خوانده شده است. (مواد ۹۷ و ۱۱۶)

ولی در قانون اساسی ۱۳۵۵ فقط "یک رکن دولت" نامیده شده است.

۲- صلاحیت قوهٔ قضائیه در هر سه قانون اساسی یاد شده به عین عبارت قید گردیده است:

"صلاحیت قوهٔ قضائیه شامل رسیدگی به تمام دعاویی است که در آن اشخاص حقیقی یا حکمی به شمول دولت به صفت مدعی یا مدعی علیه قرار گرفته ودر پیشگاه آن مطابق به احکام قانون اقامه شود." (مادهٔ ۹۸ قانون اساسی ۴۳، مادهٔ ۹۷ قانون اساسی ۵۵ و مادهٔ ۱۲۰ قانون اساسی ۸۲)

فقط با این تفاوت که در قانون اساسی ۸۲ به جای "در پیشگاه آن" "در پیشگاه محکمه" ذکر شده است.

۳- اعضای ستره محکمه طبق قوانین یاد شده بعد از ختم دورهٔ خدمت بقیهٔ مدت حیات از حقوق مالی دورهٔ خدمت مستفید می شوند. (مواد ۱۰۵، ۱۱۰ و ۱۲۶)

۴- در دو قانون اساسی ۴۳ و ۵۵ این قید ذکر شده که قاضی القضات واعضای ستره محکمه نمی توانند بعد از ختم دورهٔ خدمت، عضو حکومت یا شورا و یا مامور دولت باشند. (مواد ۱۰۵ و ۱۰۹) ولی طبق حکم مادهٔ ۱۲۶ قانون اساسی ۸۲ می توانند به مشاغل دولتی و سیاسی بپردازند و در این صورت از حقوق مالی دورهٔ خدمت، محروم خواهند بود.

۵- طبق مادهٔ ۱۰۵ قانون اساسی ۴۳ "قاضی القضات واعضای ستره محکمه نمی توانند در مدت تصدی وظیفه وبعد از آن در احزاب سیاسی شمولیت ورزند." و این قید در دو قانون بعدی ذکر نشده است.

۶- قانون اساسی ۴۳ "ستره محکمه را مرجع نهایی قضایی افغانستان" می داند و قانون اساسی ۸۲ آن را "به حیث عالی ترین ارگان قضایی در رأس قوهٔ قضائیهٔ جمهوری اسلامی افغانستان" توصیف می نماید. (مواد ۱۰۷ و ۱۱۶) ولی در قانون اساسی ۵۵ چنین چیزی به نظر نمی رسد!

۷- تعداد اعضای ستره محکمه در هر سه قانون یاد شده، نه نفر پیش بینی شده است. (مواد ۱۰۵، ۱۰۷ و ۱۱۷)

جایگاه قوهٔ قضائیه در قوانین اساسی افغانستان ـ با تفاوت هایی ـ یک جایگاه به ظاهر رفیع وممتاز پیش بینی شده است

۸- عضو ستره محکمه طبق قانون اساسی ۴۳ و ۵۵ باید سی وپنج سالگی را تکمیل کرده باشد. (مواد ۱۰۵ و ۱۰۷) ولی طبق قانون اساسی ۸۲ سن رئیس واعضا حین تعیین نباید از چهل سال کمتر باشد.

۹- در قانون اساسی ۴۳ سن قاضی القضات نباید کمتر از چهل وبیشتر از شصت باشد. در قانون اساسی ۵۵ و ۸۲ حد اقل سن چهل سال ذکر گردید ولی حد اکثر آن ذکر نشده است.

ومعلوم نیست که در موارد ضرورت به تفسیر احکام قانون به کدام نهاد باید رجوع نمود

۱۰- از همه مهمتر این که در قانون اساسی ۱۳۵۵ طبق حکم مادهٔ ۱۳۵ "مرجع باصلاحیت تفسیر قانون اساسی ستره محکمه" معرفی گردیده است، حالانکه در قوانین ۴۳ و ۸۲ این صلاحیت به آن داده نشده ومعلوم نیست که در موارد ضرورت به تفسیر احکام قانون به کدام نهاد باید رجوع نمود.

در قانون اساسی ۵۵ اتهام به جرم خیانت ملی علیه رئیس جمهور از طرف دو ثلث اعضای ملی جرگه تقاضا شده می توانست وصلاحیت سبکدوشی رئیس جمهور به اکثریت دو ثلث آرای لویه جرگه داده شده بود. در این حالت وظیفهٔ ریاست جمهور موقتاً به رئیس ملی جرگه سپرده می شد. در حالی که طبق حکم مادهٔ ۶۹ قانون اساسی ۸۲ "اتهام علیه رئیس جمهور" به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی یا جنایت از طرف یک ثلث کل اعضای ولسی جرگه تقاضا شده می تواند. در صورتی که این تقاضا از طرف دو ثلث کل آرای ولسی جرگه تایید گردد، ولسی جرگه در خلال مدت یک ماه لویه جرگه را دایر می نماید. هرگاه لویه جرگه اتهام منسوب را به اکثریت دو ثلث آرای کل اعضا تصویب نماید، رئیس جمهور از وظیفه منفصل وموضوع به محکمهٔ خاص محول می گردد. محکمهٔ خاص متشکل است از رئیس مشرانو جرگه، سه نفر از اعضای ولسی جرگه وسه نفر از اعضای ستره محکمه به تعیین لویه جرگه..."

بنا بر این ستره محکمه فقط در ترکیب محکمهٔ خاص در کشور همسایهٔ ما پاکستان سوپریم کورت یا ستره محکمه دوبار به غیر قانونی بودن حکم رئیس جمهور مبنی بر انحلال مجلس ملی وعزل صدر اعظم وکابینه رأی داد.

یک بار در مورد عزل محمد خان جیونجو توسط مرحوم ضیاء الحق وبار دیگر در مورد عزل نواز شریف توسط غلام اسحق خان.

یک بار در مورد حکم مرحوم جنرال ضیاء الحق مبنی بر انحلال مجلس ملی غیر حزبی وحکومت محمدخان جیونجو در اواخر دههٔ هشتاد و بار دیگر درمورد حکم غلام اسحق خان مبنی بر انحلال مجلس ملی وحکومت نواز شریف در اوایل دههٔ نود!

ولی در کشور ما ستره محکمه از صلاحیت چندانی - درمقایسه با سایر کشورها - برخوردار نیست.

لازم بود تا ستره محکمه به حیث مرجع تأیید یا رد صلاحیت کاندیداهای ریاست جمهوری شناخته می شد وهمچنین نظارت بر انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی بر عهدهٔ آن قرار می گرفت و صحت و سقم انتخابات را نیز تأیید می کرد.

به هر صورت امیدواریم که اعضای ستره محکمهٔ موقت همان طوری که در سوگندنامهٔ شان آمده است در امر تأمین حق وعدالت طبق احکام دین مبین اسلام وقانون اساسی موفقیت های مزیدی را به دست آورند.

در جدال فراکسیون های مختلف خلق و پرچم دربارهٔ فاجعهٔ ۶ جدی:

همه راست می گویند!

محمد نسیم فقیری

یک سوال مهم واساسی درشکل گیری فاجعهٔ ۶ جدی وتجاوز عریان نظامی ولشکرکشی بی شرمانهٔ اردوی سرخ برکشورما، این است که آیا رژیم خلقی (تره کی و امین) برای مقابله با جهاد و قیام روز افزون و در حال گسترش مردم افغانستان، از اتحاد شوروی تقاضای اعزام قطعات نظامی را نموده بود ویا ببرک و نجیب و در مجموع پرچمی ها خواستار تجاوز نظامی روس ها برای سرنگونی رژیم امین، به قدرت رسانیدن خودشان وسرکوب قیام های جهادی ومردمی بودند؟

در پاسخ به این سوال، افراد بلند پایهٔ فراکسیون های مختلف خلق و پرچم طی نوشته ها ومصاحبه ها، اظهار نظر کرده اند و در برنامه هایی که بخش های پشتو و دری رادیوی بی بی سی به مناسبت گذشت ربع قرن از تجاوز نظامی شوروی تدارک دیده بود، انعکاس یافته است.

– خلقی ها ادعا دارند که رهبران فراری پرچم و از جمله

امین کاملاً به شوروی ها اعتماد داشت وهرگز گمان نمی کرد که توسط آنان رژیم او سرنگون وخودش به قتل رسانیده شود

ببرک و نجیب سور بر تانک های شوروی به کشور وارد شدند و در حزب و دولت تحمیل گردیدند وتجاوز شوروی سبب سرنگونی حزب خلقی امین وقتل او ویاران نزدیکش گردید وهمچنین پرچمی ها را به قدرت رسانید. واقعاً که راست و درست می گویند وچیزی که عیان است چه حاجت به بیان است!

پرچمی ها ادعا دارند که در دوران رژیم خلقی تره کی و امین چهارده بار وحتی هجده بار از شوروی طی نامه ها تا تلگرام ها وتلفن ها تقاضا شده بود تا به داد رژیم درحال سقوط برسند و آن را از خطر مرگ ونابودی حتمی نجات بدهند. و این ها هم کاملاً راست و درست می گویند زیرا رژیم های تره کی و امین نیز کاملاً به شوروی وابسته بود واسناد کافی در این زمینه وجود دارد. حتی یک تن از اعضای بلند پایهٔ فراکسیون های پرچم بر این باور است که امین کاملاً به شوروی ها اعتماد داشت وهرگز گمان نمی کرد که توسط آنان رژیم او سرنگون وخودش به قتل رسانیده شود.

برای مردم افغانستان ومجاهدین قهرمان آن، جای بسی افتخار است که دشمنان دین، آزادی ومردم وچاکران وپیش مرگان قدرت کفری وجهان خوار (شوروی سابق) که زمانی به تجاوز نظامی شوروی فتحار و به پیشواز ان رقص و پایکوبی می نمودند، امروز چنان سرافگنده، ذلیل و زبون گردیده اند که فاجعهٔ ۶ جدی را یک ذلت وننگ تاریخی می دانند وتقصیر آن را متوجه یک دیگر می کنند.

واقعیت این است که تمام رژیم ها وسران خلق و پرچم همه وابسته به شوروی بودند و این وابستگی فقط یک وابستگی سیاسی و استراتژیک نبود که در روابط بسیار نزدیک میان دو دولت و یا حتی فرمانبر وفرمانده خلاصه گردد، بلکه وابستگی فکری و ایدئولوژیک نیز بود. آرشیف ها انباشته از بیانات وسخنرانی های پرشور وآتشین این رهبران درمدح وستایش مسکو و زمامداران آن است و تا زمانی که شوروی حیات داشته است حتی یک نفر از افراد عالی رتبهٔ خلق و پرچم جرأت نکرده است که علیه آن حرفی بر زبان بیاورد وتعدادی نیز پس از مرگ شوروی و اضمحلال امپراتور سرخ و فرو ریختن پایگاه زحمتکشان! هنوز هم علیه تجاوز شوروی وفاجعهٔ خونین ومرگبار ۶ جدی چیزی نمی گویند!

شوروی ها هم که پس از جنگ جهانی دوم درحال بسط و گسترش ساحهٔ نفوذ وتشکیل احزاب دست نشانده در دنیا بودند و در این امر به موفقیت های زیادی نایل گردیده بودند هرگز وهرگز آماده نبودند تا بخش کوچکی از این ساحهٔ نفوذ را از دست بدهند.

افغانستان پس از کودتای ثور به جرگهٔ کشورهای سوسیالستی وتحت نفوذ و یا اقمار شوروی پیوسته بود وشوروی با تمام توان می خواست آن را در اختیار داشته باشد و از نیروی جهاد وقیام مردم جلوگیری نماید.

برهمگان واضح و روشن است که درجریان جنگ سرد در آسیا و افریقا وحتی امریکای لاتین، رژیم های طرفدار غرب یکی پی دیگر سرنگون می شد و رژیم های طرفدار ماسکو جاگزین آن می گردید. بنا بر این برای شوروی ها که از بادهٔ پیروزی در جنگ جهانی دوم مست و مغرور بودند وهمه ساله در نقاط مختلف دنیا درحال پیشروی بودند وغرب به نفع آن جا خالی می نمود...

بسیار مشکل و دشوار بود که یک کشور را از دست بدهند و به هر قیمتی که بود، قصد داشتند تا افغانستان در تحت تسلط کمونیست ها باقی بماند؛ زیرا با سقوط رژیم کمونیستی و پیروزی مجاهدین، موج فزایندهٔ پیشروی آنان در سطح دنیا با شکست مواجه می گردید و مبدل به پسروی و از دست دادن پایگاه ها ومناطق تحت نفوذ دیگر.

برهمین بنا بود که کمونیست های داخلی نیز کودتای ثور را"انقلاب برگشت نا پذیر" می خواندند و جزء جبر تاریخ!

به هر صورت مسؤولیت تاریخی تجاوز نظامی شوروی و فاجعه های بعدی آن قطعاً متوجه همه فراکسیون های خلق و پرچم است که هر کدام در تقرب ونزدیکی به متجاوزین شوروی سر و دست می شکستند ومسابقه می نمودند!

هیچ سندی وجود ندارد که حتی یک نفر از افراد بلند پایهٔ این فراکسیون ها تجاوز شوروی ها را - قبل از فرو پاشی - محکوم و یا برائت و بیزاری خویش را از آن اعلام نموده باشد!

واما در مورد این که فراکسیون های مختلف وپراگندهٔ خلق و پرچم بارعظیم این فاجعهٔ ننگین را بر دوش یک دیگر می اندازند و دلایلی را ارائه می نمایند، به تکرار باید گفت که همه راست می گویند واین جنایت بزرگ تاریخی، مسؤولیت مشترک وجمعی همهٔ آنان است ولازم بود تا در قانون اساسی وقانون احزاب وقانون انتخابات محدودیت هایی برای اعضای بلند پایهٔ خلق و پرچم ومتحدین سیاسی ونظامی شان وضع می گردید تاکسانی که عامل و یا مجری طرح ها، توطئه ها وتجاوز و جنایات بزرگ تاریخی

افغانستان پس از کودتای ثور به جرگهٔ کشورهای سوسیالستی وتحت نفوذ و یا اقمار شوروی پیوسته بود وشوروی با تمام توان می خواست آن را در اختیار داشته باشد و از نیروی جهاد وقیام مردم جلوگیری نماید

بوده اند وبه ناحق مورد عفو قرار گرفته ومحاکمه نگردیده اند، حد اقل از ورود به صحنه های سیاسی و اداری کشور باز داشته شوند تا خون شهدای جهاد و آزادی کشور پامال نشود وفاجعه های تاریخ تکرار نگردد.

ستره محکمهٔ موقت رسماً شروع ...

وی خطاب به قضات گفت که عمده ترین محل تطبیق قانون در یک کشور و عمده ترین پایه یی که عدالت را در جامعه استوار می سازد قضا ست. قضا ست که به نظام سیاسی کشور حیات می بخشد. پس از خدا بترسید.

تردیدی نیست که کار های خلاف در هر ارگان وجود دارد و این کار مختص به قضا نیست اما لباس قاضی سفید است. اگر در لباس سیاه هرقدر لکه وجود داشته باشد به آسانی قابل تشخیص نیست اما یک لکهٔ کوچک در لباس سفید از دور قابل تشخیص است. معاملهٔ شما با حکم پروردگار است. اگر کسی در این معامله مسائل مادی را یا واسطه و سفارش و قدرت و نفوذ را می پذیرد از تطبیق عدالت فاصله می گیرد. باید تسلیم صاحبان زور و زر نشوید و در عدالت خلل وارد نسازید.

خداوند فرموده است که کتاب (قرآن) را برحق فرستاده ام تا به آن در میان مردم به حق حکم نمایید و آن گونه حکم کنید که خداوند امر کرده است و از خاینان جانبداری نکنید. اگر امروز شما از صاحبان زور پیروی کنید و از حق عدول نمایید، روز قیامت این زورمندان، شما را از عذاب و از محاسبهٔ خدا نجات داده نمی توانند.

عدل به معنی برابری است اگر یک جانب ترازو اندکی هم اضافه شود، ترازو بی تعادل می شود. دوام و بقای یک جامعه به همین تعادل وابسته است.

وی با استناد به حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم گفت که قضات به سه دسته اند، دو دسته اهل دوزخند ویک دسته اهل بهشت. قاضی اهل بهشت آن است که به قضاوت وارد است و به عدل حکم می کند. اما قاضی یی که از قضا بی خبر است و به حق حکم نمی کند و قاضی یی که به قضا می داند و حق برایش معلوم است اما به حق فیصله نمی کند هردو از اهل جهنمند.

مسألهٔ کنترل دراین امر مهم به عهدهٔ ستره محکمه است تا قضاتی را به کار بگمارد که هم در قضا وارد باشند و هم به حق فیصله نمایند تا به این وسیله دو گروه دیگر را از آتش جهنم نجات دهد.

اگر این دوکار را ستره محکمه انجام دهد یعنی قاضی بی علم را مقرر نکند و قاضیانی را که مقرر می شوند مورد کنترل و مراقبت قرار دهد، مشکل عدالت در جامعه حل می شود.

استاد سیاف به قضات توصیه نمود که خود را به قوانین و اصول نامه هایی که موجود است محصور نسازند. این اصول نامه ها و قوانین برای سهولت شما به میان آمده است که باید به آنها علم داشته باشید و آنها را باید بدانید اما باید به اصول دین نیز خود را آگاه سازید زیرا قضاوت به تبحر نیازمند است.

استاد سیاف در بخشی از صحبت خویش به رد منصب قضا از طرف امام اعظم (رح) اشارت نمود و گفت که امام به خلیفه که از وی خواستار پذیرش مسند قضا بود جواب داد که من به این کار اهل نیستم. وقتی خلیفه اصرار نمود وی گفت که اگر سختی که گفته ام راست است، من برای این کار اهل نیستم و اگر دروغ گفته باشم دروغگو صلاحیت قضا را ندارد. او به این ترتیب خود را از این کار نجات داد. امام به این دلیل قضا را نپذیرفت که در مورد استقلالیت قضا اطمینان نداشت.

استاد سیاف قضات را در نظام سیاسی کشور نایبان امیر یا رئیس جمهور خواند و به آنان توصیه نمود تا ارزش مقام مقدس قضا را حفظ نمایند.

پس از سخنان استاد سیاف از جناب آیت الله محسنی دعوت به سخن گفتن شد و وی سخن را از آنجا آغاز کرد که زیربنا و روبنای اسلام بر حق استوار است. اگر رسالت همه شرایع و ادیان آسمانی را بخواهیم در یک کلمه خلاصه نماییم آن کلمه (حق) است و یکی از نامهای خداوند نیز حق است.

قضا مسند نبوت است وقتی که خداوند به داوود (ع) می فرماید که من تو را در روی زمین خلیفه قرار داده ام و به عدالت حکم کن این خود نشان می دهد که مسند قضاوت مسند نبوت است.

آیت الله محسنی در بخشی از سخنان خویش به مسألهٔ قوانینی که از دوران کمونیست ها باقی مانده اشارت نمود و گفت که مادهٔ سوم قانون اساسی کشور ما می گوید که هیچ قانون خلاف اسلام در افغانستان نافذ نخواهد شد. بنابراین باید این قوانین را که کمونیست ها در اصل برضد مجاهدین ساخته بودند و غیر اسلامی است، از بین برده شود. همه قوانین کشور باید مطابق به اسلام باشد.

سخنران دیگر این محفل مولوی قیام الدین کشاف عضو شورای عالی ستره محکمه بود که وی نیز در مورد مقام قضا در جامعهٔ اسلامی سخن گفت.

بعداً سید عمر منیب عضو شورای عالی قضا در سخنانی از این که قضا در کشور به وسیلهٔ یک عده اشخاص استفاده جو که نام قاضی را برخود دارند بدنام شده است ابراز تأسف نمود و اعتراف کرد که قضات پاک نفس نیز از این بدنامی قضا احساس شرم و خجلت می کنند.

محفل با دعائیهٔ قاضی القضات به پایان رسید.

ابوبکرسبزوار

سید عنایت الله شاداب

بیکس وتنها در دیار تموز

در شمارهٔ پیشین مجاهد مطلبی را زیر عنوان "وقتی مزدور ارباب عوض می کند" خواندم، به یاد شعری افتادم که آن را در سال ۱۳۷۴ در پای مجسمهٔ لنین در پارک نهرو در شهر دهلی هند خطاب به وی سروده بودم. اینک آن شعرو خوانندگان مجاهد.

چه شد که بیکس وتنها در این دیار تموز
در این دیار پر اعجوبه پر زراز و رموز
در این محیط نگهبان های سحر و فسون
در این محیط خداهاش از حساب برون
چه شد شعار نه دیر وکلیسه و مسجد
چه شد شعار نه ملا وقسس و مؤید
نه متحد فقرای جهان نه کارگران
نه دور مشت فیودل ز فرق دهقانان
چه شد بشارت دنیای فارغ از اضداد
کجا نشانهٔ دوران خالی از انداد
نه بینی کارگری را زمام کار به دست
سبوی نظم پرولیتری فتاد وشکست
برفت موزهٔ تاریخ، ملک شوراها
نشنوی حال، شعاری نه شور هوراها
هموکه خواندیش افیون توده ها وملل
همو که مارکس و راخواند ارتجاع ودجل
کنون زضربهٔ او پتک ریزه گشته وداس
به بزم کارگری نی ایاغی هست ونه کاس
نه پیکری زتو برجای ماند و نز کارل
همه فتاده چو خرسنگ، هرزه و باطل
شدند بسته بزنجیر وحبل ها وخجل
چو مجرمند آویزان به جاده ها وسبیل
چرا نگشتی پذیرا پیام داعی شرق
پیام داعی آزادی و رهایی شرق
بگو چه شد که شدی جاگزین این اقلیم
نیاری حرف به لب جز خموشی وتسلیم
دهن کشود وبگفتا مگر تو افغانی
مگر تو پور براهیم ونسل قرآنی؟
مگر سلالهٔ محمود بت شکن هستی
که عهد بت شکنی را دوباره آرستی
شکستی ساغر و مینای بت پرستی عصر
کشودی مشت فریب و دغا و پستی عصر
منم همان که شکستم طلسم جور تزار
نظام جور و ستم، قیصری و زور وفشار
بساط دور کهن را تمام پیچیدم
فیودلی و فیودل ز بیخ وبن چیدم
مگر به حکم ابر رهبر پرولتران
نظام ظلم نوینی فگنده شد بنیان
همو که خواند مساوات براساس شکم
کشیده خط چلیپا به معنی آدم
همی خجالت وشرمنده ام ز کردهٔ خویش
پناه گزین شده اینجا زحزب ودستهٔ خویش
صحیفهٔ زعمل های خویش می خوانم
بگوش نسل جوان وپریش می خوانم
به توده ها که زخون دل وجگرها شان
زمزد دست و رخ زرد و چشم ترهاشان
ابر ستمگری چندی کنند پرویزی
دهند رونقی از نو به بزم چنگیزی
نموده حال بمن فطرتم همی یاری
که یابم عمق پیام جمال افغانی
از آن گریخته از ملک وکشور خویشم
که تا به خلق بگویم خرافهٔ کیشم
بسان یار و رفیقان بوده سست نهاد
بسان کاسه لیسان حقیر و پست نهاد
نه کردم عزت خود پایمال دشمن دون
که سخره ام به جهان سازد و ذلیل و زبون
حذر زسلطهٔ وران جهان امروزی
که در لباس طبیبی، کنند خونریزی
مراست نکتهٔ از پیر دورهٔ غربت
مهان و خوار شود منکر رهٔ فطرت

اشغال افغانستان توسط شوروی

و تأثیر گذاری بر شعر فارسی دری این سرزمین

بخش پنجم

محمد اسحاق فایز

عاقبت با ناله سودا می شود آهی که نیست
زیرگام ما به منزل می رسد راهی که نیست
چند روزی صبر کن، ای آسمان! خواهی شنید
نور صد خورشید می گیریم ازین ماهی که نیست
خوب می دانیم ومی دانی که چندین سال قحط
آب مان در کاسه سر دادی از چاهی که نیست

وبیت آخر این غزل:

کشتهٔ خود می شود این ایل، حتی در شکست
تا نبندت چشم امیدی به خون خواهی که نیست

سید ابوطالب مظفری، از نامداران شعر مقاومت افغانستان در ایران است. اینک با نمایه چند شعر از مظفری، ذکر نمونه و شواهد را از شاعران مقاومت افغانستان در ایران به پایان می برم. مثنوی "سوالنامهٔ بلخ" در سال ۱۳۶۴ سروده شده است. اینک گزیدهٔ از این مثنوی:

زچشمه سار افق خون تازه می جوشد
سپاه شب پی قتل ستاره می کوشد
سمند عشق چرا بی سوار می آید
زدشت واقعه بنگر غبار می آید
مگر سپاه پلیدی دوباره خون کرده است
زپشت باره عزیزی دگر نگون کرده است؟
هنوز پیکر مجروح عشق بر صحراست
هنوز کشتی بی نوح قوم، بر دریاست
بیا بلند بخوانیم هر که را گوش است
چراغ دولت این قوم از چه خاموش است؟

حدیث شعار و هیجان آفرینی و احساسات برانگیزی در این مثنوی مضمر است، ولی به گمان من این روایت تلخ، زیبا و وشسته نیز است. در ادامهٔ مثنوی می خوانیم:

در این کنایه که گفتم اشارت دگر است
حدیث قتل ستاره، روایت سحر است
به نام تیرهٔ ما شب فروز می آید
ستاره چهره بگیرد که روز می آید
به آسمان که هزار آفرین به لب دارد
به صبحدم که شکوه شکست شب دارد
شب مراد نخوابیم تا سحر نزنند
سپیده بر سر خرگاه شب، شرر نزنند.
بریده باد دودستی که از بد اندیشی
بریده با تبر خصم ریشه خویشی
یلان نامور خطه را به کشتن داد
به رسم نا خلفی، خانه را به دشمن داد

مظفری در چهار پاره یی که "شانه های زخمی" نام دارد، ببینید که چگونه تصویر سازی می کند:

سبز روییده برکمرکش کوه
سرو آلاله پوش جنگلزاد
ریشه ها را فشرده در تن سنگ
و از سموم تبرکشان آزاد
xxx
بر سر از ابر بسته دستاری
کوه افتاده تا به زانویش
صد گذرگاه خون پیموده
گام آهن وشی خطر پویش
xxx
هیبتش صخره را به سخره گرفت
باخم و پیچ شانه های درشت
بوی آتش فتاده در جنگل
هان! مباد احرامیان از پشت

وپس از اختصار در آخر:

گاه آن است تا بتارانیم
لشکر بیشمار غصه وغم
طی کنیم این کویر، این شب را
دست برشانه های زخمی هم

می شود این غزل را نیز به عنوان پایان نمونه دهی از سید ابوطالب مظفری بیاوریم که نام دارد"غزل ۹" وشاعر آن را به فرزندش اهدا کرده است:

هرچند زعالم جگری سوخته دارم
شادم که گلی همچو تو اندوخته دارم
در شیب اجل خیز ترین جادهٔ مختوم
شمعی به فرا راه خود افروخته دارم
زان سان که پدر با من نا اهل عجین بود
من نیز هوای تو پدر سوخته دارم
یک سینه بی کینه ویک طبع غزلساز
درسی است که من از پدر آموخته دارم

شاعران مقاومت در درون نظام کمونیستی

بخشی از شعر مقاومت افغانستان، همانا گنجینه های آفریده شده از سوی تعدادی از شاعرانی است که در درون نظام کمونیستی می زیستند ولی به آن تعلقات سیاسی ـ ایدئولوژیک نداشتند. کار آفرینش وشعر سرایی و انواع دیگر آفرینش در درون نظام کمونیستی، سخت مخاطره آفرین بود، در شبها و روز هایی که سیه دلان "کام"، "خاد" و "واد" کوچه به کوچه شهرهای کشور را به دنبال "پروژه" بودند، حتی سرایش یک بیت از غزل نیز که در آن بویی ازمخالفت با رژیم احساس می گردید، جرم پنداشته می شد، وبودند تعدادی از شاعران مقاومت در کابل و ولایات دیگر که فقط به خاطر شعرهای شان باز داشت شدند و مشقات شکنجه و بی خوابی ها را تحمل کردند. در چنین حال و هوایی بیگمان، شاعران این دوران در درون نظام بالفطره نمی توانستند آنچنان که شاعران مقاومت در ایران، پاکستان و یا در جبهات مجاهدین، با آن آزادی سخن گفته بودند، سخن بیاورند وشعر بسرایند. شاعران مقاومت در این مقطع در درون نظام با توجه به ظرفیت های شعر و قوالب گوناگون آن، به کمک استعاره وتشبیه وتعابیر بکر و برجسته وحتی توسل به سمبولیزم، آثاری آفریدند که حتی نسبت به شعر مقاومت افغان ها در ایران نیز برازندگی و ویژگی های بی شماری دارد. در این جا دیگر شب است و باد و زوزه جگر خراش آن و "اژدهای" زیبایی که دندان هایش سپیداست و در این جا دیگر شب نورد و چکمه داران وفانوس کش ها و داروغه گان واهریمن واهورا و راستی و درستی ونیکی وبدی جای بسا از تعابیر لچ و برهنه را گرفته است تا آنجا که گاه خوانندهٔ عادی نمی تواند برداشتی به زودی از شعر بکند و ناگزیر آن را باید به زعم خود تفسیر وتعبیر کند.

نامدارترین شاعران مقاومت در درون نظام عبارت بودند از: واصف باختری، لطیف ناظمی، رفعت حسینی، روان شاد عبدالقهار عاصی، محمد افسر رهبین، پرتو نادری، روان شاد لیلا صراحت روشنی، خانم خالده فروغ، خانم ثریا واحدی، احمدضیا رفعت و...

شاعران دیگری هم وجود دارند که از لحاظ روابط وتعلقات سیاسی ـ ایدئولوژیک گاه مربوط به حاکمیت بودند وگاه هم با آن قطع رابطه کرده و به دستهٔ مقاومت پیوستند که می شود از جمله از لطیف پدرام، صبورالله سیاه سنگ را نام برد. هر دو تن در پیچیده گویی ومایه گرفتن از فلسفه و تصویرهای دور از ذهن وگاه تو در تو زبان زد مردمند.

در نمونه دهی از این شاعران، همانگونه که در آغاز از استاد واصف باختری نام بردم به ذکر شواهدی از او می پردازم وبعد می روم به سراغ شاعران دیگر.

ویژگی های کلام استاد باختری، دقت در انتخاب واژه ها، بهره جویی از تکنیک ها وظرافت های زبان، تصویر آفرینی های پی در پی، سمبولیزم وگزینش استعاره های ناب و زیبا و در یک کلام، شعر استاد، استادانه است. مانند آن ساعت ظریف و گران بهایی که سازندگان آن برای آن از تکنیک ومصالح خاص وحتی الماس بهره جویی می کنند.

به شعر "از این تلخابهٔ اندوه ..." توجه کنید که در وزن نیمایی است وسرایش آن به سال ۱۳۵۶ بر می گردد:

کی بود آن مرد سرگردان در آن میخانهٔ خاموش
که می نوشید و می نوشید
و آن گه مخمل نرم صدای او
- صدا نی شطی از اندوه -
- گذارباد پاییز از میان جنگل انبوه -
چو شادروان سبزی بر حریم لحظه های پاک ما
هموار می گردیم
- عقاب پیرمن دانم چهادیدی چهادیدیم
در این راهی که پیمودی و پیمودیم
گذر از زمهریر استخوان فرسای شکهای شرنگ
آلود
فرو رفتن به ژرفاهای دوزخها
گهی از برج سبز آرزو همبال با سیمرغ
الی آخر

در اینجا استاد باختری با آغازی استفهامی، کار فهمیدن را دشوار می کند. کار برد کلمات زیبا و ناب حتی نماد "عقاب پیر" فهم مطلب را دشوار تر می سازد تا آنجا که با سوادان نیز نمی توانند به آسانی به ژرفای مطلب ورود پیدا کنند. همین گونه است. تا آخر

شعر استاد باختری با این ویژگی های ناب و بکرش، نشانی از سال های پیش و پیشین دارد. این نمونه ها به سال های قبل از کودتای ثور تعلق دارد ونشان می دهد که تنها استاد بود که درمیان شاعران معاصر ما زبانش شکوه از دقایق لازم را داشته است.

سردستهٔ شکنجه گران ابوغریب به دادگاه رفت



دادگاهی در تگزاس، محاکمهٔ یک سرباز آمریکایی را آغاز کرد که در کانون رسوایی بدرفتاری با زندانیان عراقی قرار دارد.

این نخستین محاکمهٔ قضایی برای رسیدگی به اتهام آزار و شکنجهٔ بازداشت شدگان در زندان ابوغریب است.

در مجموع هفت سرباز در ارتباط با وقایع و عکس های زندان ابوغریب متهم شده اند و تاکنون سه تن از آنها، پس از آن که خود را گناه کار دانستند به زندان روانه شده اند.

چارلز گرینر نخستین متهم این پرونده است که خود را بی گناه اعلام کرده و در دادگاه از خود دربرابر اتهاماتش دفاع می کند.

تصویر این سرباز ۳۶ ساله، در جمع عکس های زندان ابوغریب که اینک شهرت یافته اند، ثبت شده بود.

از جمله در یکی از عکس ها، او در پشت گروهی از زندانیان برهنهٔ عراقی که وادار شده بودند روی هم قرار بگیرند، ایستاده است و با شست خود، علامت پیروزی می دهد.

او در عکس دیگری، کنار جسد یکی از زندانیان که در ابوغریب جان داده است می خندد و در یکی از عکس ها نیز، او مشت خود را به سوی یک زندانی که سر و صورتش با کلاه پوشانده شده نشانه می رود.

این عکس ها جزء صدها تصویری هست که سال گذشته از زندان و شکنجهٔ زندانیان ابوغریب منتشر شد و افکار عمومی را به خشم آورد.

گرینر متهم است که سردستهٔ سربازانی بوده است که به آزار زندانیان می پرداخته اند. اگر این اتهام در دادگاه به اثبات برسد، ممکن است او به هفده سال حبس محکوم شود.

وکلای مدافع متهم اظهار می کنند که مسئولیتی بر عهدهٔ او نیست زیرا این متهم تنها از دستورات مقام های بلندپایه تر ارتش پیروی می کرده تا بازداشت شدگان را برای بازجویی نرم و آماده کند.

به عقیدهٔ کارشناسان حقوقی، این نخستین آزمون مهم است که می تواند نشان بدهد چنین دفاعیه یی در پروندهٔ بدرفتاری با زندانیان ابوغریب تا چه اندازه تأثیر دارد.

آقای گرینر با چهارده مورد اتهام روبه رو است که گذشته از بدرفتاری با زندانیان شامل فحاشی و ترک خدمت هم می شود. او همچنین به زنا با لیندی انگلاند، سرباز ارتش آمریکا که به تازگی فرزندی از چارلز گارنر به دنیا آورده، متهم است.

خانم انگلاند، یکی از زنانی است که در عکس ها در حال خندیدن و اشاره کردن به زندانیان برهنه دیده می شود و اکنون در انتظار محاکمه به سر می برد

مشروعیت حکومت در شفافیت آن است

عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

بدنه های مهم کابینهٔ ادارهٔ موقت و انتقالی را، نظر به چهارچوب بندی کنفرانس بن جبههٔ مقاومت، حلقهٔ پیشاور و طرفداران شاه پیشین تشکیل داده بود، این کابینه از طیف های متضاد چون تکنوکرات های رفاه دیده و اعضای ارشد جبههٔ مقاومت ساخته شده بود. یکی از بدعت های نامیمون این دو اداره، عدم شفافیت و حسابدهی در کار بوده است. اعتراضات زیادی از سوی هموطنان ما دربارهٔ عملکرد های این وزرا در اوقات مختلف و زمینه های گونه گون صورت گرفت که بر هیچ کدام آن اثری مرتب نگردید. سطح مطالبات و حسابدهی از کار این وزرا نه تنها ضعیف بوده بلکه اساساً وجود نداشته است. فرهنگ شفافیت وحسابدهی دروازهٔ هیچ وزارتخانه را تاکنون نکوبیده است. وقتی فرزندان بی پناه ما، در لیلیهٔ دانشگاه کابل دو سال قبل نسبت عدم دسترسی به نان و غذا در شب های ماه مبارک رمضان، دست به تظاهرات زدند، تنی چند از آنها از سوی پلیس ناجوان مردانه تیرباران گردیدند و برای آنها طالبان و القاعده گفتند و قضیه را خاموش ساختند و آب از آب تکان نخورد، فقط معاون لیلیه و بعداً مدیر آن تبدیل گردیدند و بس. در پهلوی این قضیه، اختلاس پنج میلیارد افغانی به سکهٔ رائج وقت مطرح شد که از سوی مقامات تحصیلات عالی حیف و میل گردیده بود، مطبوعات کشور گزارش داد که در این اختلاس بر اساس گزارش چند جنرال و سایر افراد نزدیک به وزیر تحصیلات عالی دست داشتند و بعد از چند روز معدود رئیس اداری این وزارت و آقای منیر که در رأس این اختلاس قرار داشت به وساطت وزیر وقت، آقای فایض رها گردید و به تعقیب آن به وسیلهٔ یک بورس پنجساله به اروپا فرستاده شد، تا مبادا صدمه یی به این جوان تازه به دوران رسیده وارد گردد. تعمیر شفاخانهٔ جمهوریت در روز روشن بالای کارگران افغانی فروریخت و پانزده تن از آنها شهید گردیدند در این قضیه هج کس مورد بازپرس قرار نگرفت، صدها قضیهٔ اختلاس، دزدی و غارت اموال به آرامی حل و فصل می گردید، شفافیت و حسابدهی وجود نداشت. در زمان حکومت های موقت و انتقالی هیچ کس از رده های بالایی حکومت، نه دستگیر گردیدند و نه کیفر یافتند. آنچه در این دوره گذشت در خصوص مطالبات و حسابدهی همه اش فترت بود وپوسیدگی، در حالی که فعالیت های چشمگیر انسانی فراوانی در کشور صورت گرفته است، اما منتقد اجتماعی می کوشد تا کمبود ها را بر ملاسازد، تا نظام ارزشی در کشور استحکام یابد، آنچه در افغانستان تا کنون جایگاه خود را بازنیافته است، همانا عدم شفافیت و مطالبات از رده های بالایی دولت است، فرهنگ حساب دهی وشفافیت در کشور ما مثل سایر عرصه ها مدرنیزه نگردیده است. گفته می شود که برای اعضای پیشین کابینه، سفارت ها در نظر گرفته شده ویا به پست های مماثل توظیف خواهند شد، منطق و مصلحت ملی ایجاب می کند که نخست این مدیران پیشین حکومت از کارهای خویش حساب دهند، بعداً به وظایف جدید توظیف گردند. به گفتهٔ شاعر:

> **آنچه در افغانستان تا کنون جایگاه خود را بازنیافته است، همانا عدم شفافیت و مطالبات از رده های بالایی دولت است**

پای امید، همه جا مایل سنگ است اینجا
شیشهٔ دل هدف فیر تفنگ است اینجا

این وعده ها به پاس خدمات آنها از سوی رئیس دولت برای شان داده شده است.

امروز در سخنرانی های وزرای جدید، از فساد اداره و ناتوانی وزرا در کابینه های گذشته سخن گفته می شود، که این موضوع اساس علمی هم دارد، طوری که عدم حساب دهی آنها به یک مقام مسؤول آنها را به

> **امروز همه چشم ها به سوی این اشخاصی که این شاهرگ ها را در دست دارند دوخته شده است که چگونه می توانند جریان حسابدهی و شفافیت را در امور مالی و مصرفی به یک اصل ملی تبدیل کنند**

حیرت وا داشته است. و نتیجهٔ این سخنان آن است که این راه دوباره تکرار نگردد و می ترسم وضع در مورد کابینهٔ جدید تا ایجاد پارلمان در کشور ادامه یابد و هیچ مرجعی حاضر نگردد مسؤولیت این مطالبات را به عهده گیرد. از جملهٔ تکنوکرات ها فقط آقای بشر دوست نتوانست خود را متحول سازد، یعنی همه کارها را بر وفق مراد بخواند، بناءً از کابینه حذف شد. و آقای فایض با سخنان بی ساخت خویش که در میان دانشگاهیان و محصلان کشور به بی برنامگی شهرت یافته بود، چنان که می گفت: با بکس خویش به سرزمین اصلی خویش عودت نمود و احتمال دارد که تا آخر عمر به این سرزمین باز نگردد. چهره هایی که قبل بر این در کار وزارتخانه ها نا موفق بوده اند، در کابینه تشریف دارند این پارادوکس ما و تضاد جامعهٔ ماست که نمی توانیم از گذشته پند بگیریم و یا با برخی از خصلت های خود، خدا حافظی کنیم. این را می گویند جامعهٔ محافظه کار، این گونه بازی های سیاسی در منطق جای ندارد، سیاست چیزی است و ترفند سیاسی چیزی دیگر، این گونه برخورد ها اقشار و گروه های مطرح در سیاست را نمی تواند راضی نگهدارد.

در کار تصویب قانون اساسی در لویه جرگهٔ ۱۳۸۲ دیده شد که اعضای ارشد کابینه، برخی از رهبران احزاب و فرماندهان، فقط به خاطر وعده های توخالی و تطمیع از سوی مقامات، به پیروان خود نه تنها توصیه می کردند، بلکه اخطار و تهدید می نمودند که آنچه مقامات از شما می خواهند همان گونه عمل کنید، ورنه وکلای فلان و فلان ولایت بدنام خواهند شد. و برای ما در کابینه و مقامات دولتی در آینده جای نخواهد بود، اما امروز وقتی که آنها در رهبری دولت و کابینه جای ندارند، در نوشته ها و شعار های خود، مردم را تشویق می کنند که از کابینه اطاعت نکنند، صد ها چنین و چنان را عنوان می کنند. مشکل این هموطنان در فهم و درک آنان از سیاست جامعه است اینها اول باید خود را متحول بسازند، بعداً دیگران را نصیحت کنند. تا زمانی که قضایای ملی، کارشناسانه تحلیل نگردد، هر حرکت سیاسی به اشتباه می انجامد. به همه چیز خوش بین بودن همان مدینهٔ فاضلهٔ افلاطون است که ما تا هنوز مصداق آن را در جامعه نیافته ایم بنا بر این در جو چنین جبر حاکم هر نوع شفافیت و حسابدهی ضعیف و حتی ناممکن می گردد و در هیأت کابینه جریان به نفع تکنوکرات ها تغییر کرده است و شاهرگ های کشور در دستان این ناز دانه ها قرار داده شده است، امروز همه چشم ها به سوی اشخاصی که این شاهرگ ها را در دست دارند دوخته شده است که چگونه می توانند جریان حسابدهی و شفافیت را در امور مالی و مصرفی به یک اصل ملی تبدیل کنند و برای متقاضیان، کار و اشتغال فراهم سازند، این قضاوت را می سپاریم به زمان و عمل آنها .

تیر در فضا رها ...

"آقای دانش هرچند در کشور های ایران، عراق و سوریه درس خوانده اند اما تلمذ و کسب فیض علمی ایشان از محضر علمای اهل تشیع بوده است. ایشان می توانند یک متخصص در فقه جعفری به شمار آیند؛ زیرا مبرهن است که در آن مدارس فقه سنت به ویژه فقه حنفی تدریس نمی شود و اگر گذری بر مسائل این مذهب صورت گیرد، ضمنی، حاشیه یی و حتی انتقادی است. در آثار منتشر

کسانی که با تعصب مذهبی سعی در دستیابی به اهداف نامشروع دارند برای مردم ما کاملاً برملا و آشکار هستند واین که چنان اشخاصی از هر سخنی بوی تعصب مذهبی به مشام می کشند دلیل آن این است که خود تا گلو در چنان تعصبات غرقند و دیگران را نیز در کیش خود می پندارند

شده از آقای دانش نیزاثری که نشان از دسترسی ایشان به فقه و جزئیات مذهب حنفی باشد به ملاحظه نمی رسد. اگر این وزارت به چنان تخصصی نیاز نداشته باشد در آن صورت حق با آقای کرزی است. آقای کرزی با انتخاب اسماعیل خان در پست مهم وزارت انرژی و آب نشان داد که در انتخاب اعضای کابینه یک اصل دیگر را نیز مدنظر داشته و آن اصل تعهد است..."

اکنون ما از گردانندگان نشریهٔ جامعه می پرسیم که از کجای این جملات بوی تعصب مذهبی به مشام می رسد که آن همه فحش و دشنام نثار مجاهد کرده اند؟ مگر آقای دانش بالاتر از هرنوع انتقادند که اگر کسی در مورد رشتهٔ تخصصی شان سخنی برزبان آورد مورد توهین و اهانت قرار گیرد؟

نکتهٔ دیگری که از مطالب منتشره در جامعه بر می آید این است که ایشان از جهت های کار وزارت عدلیه نیز کاملاً بی خبرند و این بی خبری از نشریه یی که مدعی صاحبنظر بودن در عرصهٔ سیاست، فرهنگ و اجتماع است پذیرفتنی نیست.

برای معلومات دست اندرکاران نشریهٔ جامعه باید نوشت که وظیفهٔ اصلی وزارت عدلیه اصلاح قوانین و در مواردی ساختن قوانین است. ریاست تقنین وزارت عدلیه در این راستا وظیفه یی مهم به دوش دارد و این کار کاملاً تخصصی است (قانون پوه رتبهٔ علمی عالی آن است). وقتی یک مرجع، قانونی را برای منظور خاص می سازد، آن را به وزارت عدلیه می فرستد. ریاست تقنین مطابقت آن قانون را با منابع قانون مورد تدقیق قرار می دهد که یکی از منابع مهم آن فقه حنفی است. آقای مژده نویسندهٔ مقاله سؤال تخصص را به این ارتباط مطرح کرده است نه این که به مذهب وزیر ایراد داشته باشد. چنان که در همین مقاله در بارهٔ اسماعیل خان اشارت رفته است که در گماریدن وی به عنوان وزیر انرژی و آب به تعهد وی توجه شده است و نه به تخصص او و الا او باید در وزارتخانه هایی گماشته می شد که در آن زمینه ها تحصیلات و تجربه دارد، آیا این سخن دربارهٔ اسماعیل هم ناشی از تعصب و... است؟!.

در نظام قضایی کشور ما ده ها قاضی از اهل تشیع مشغول کارند که بسیاری از آنان در قطار مجرب ترین قضات کشور به شمار می روند. همین اکنون رئیس تدقیق و مطالعات ستره محکمه یک قاضی شیعه مذهب است. قاضی بختیاری که سه امریکایی را به اتهام ساختن زندان شخصی در کابل محاکمه کرد، شیعه است. برای نخستین بار در عالی ترین شورای قضایی کشور یک عالم شیعه، آیت الله صالحی عضویت دارد که آقای دانش از شاگردان ایشان به شمار می رود. اگر اعتراض ما به مذهب اشخاص می بود باید به این موارد

ما از گردانندگان نشریهٔ جامعه می پرسیم که از کجای این جملات بوی تعصب مذهبی به مشام می رسد که آن همه فحش و دشنام نثار مجاهد کرده اند

هم معترض می شدیم در حالی که ما به این باوریم که اگر در گذشته در شورای عالی قضا عالم شیعه مذهب حضور نداشت این یک نقص بود که اکنون برطرف شده است.

چهره های کسانی که با دامن زدن به تعصب مذهبی سعی در دستیابی به اهداف نامشروع دارند برای مردم ما کاملاً برملا و آشکار هستند واین که چنان اشخاصی از هر سخنی بوی تعصب مذهبی به مشام می کشند دلیل آن این است که خود تا گلو در چنان تعصبات غرقند و دیگران را نیز در کیش خود می پندارند.

ما نمی دانیم قضاوت "جامعه" دربارهٔ کار مطبوعاتی مجاهد که گفته است مجاهد "همیشه با روحیهٔ منفی بافی از کوه کاه ساخته" است از کجا ناشی شده است؟ از شنیده ها وگفته ها مانند این بار که از بی بی سی شنیده است و یا از بررسی و تدقیق آنچه تا هنوز در صفحات مجاهد به نشر رسیده است؟

ما در این مقال سر آن نداریم که به یکا یک از اتهامات و دشنام های جامعه به مجاهد پاسخ گوییم چون به یقین دریافتیم که کارمندان این نشریه لااقل نویسندهٔ "نشریهٔ مجاهد به کجا می رود؟" نه از روی دقت وعلم که از روی حدس و گمان سخن می گوید و دلیلش این که کاندیدای مورد حمایت مجاهد در انتخابات ریاست جمهوری نه تنها کمتر از یک در صد رأی نیاورده بلکه بیش از ۵۴ در صد آرا را به دست آورده و پیروز شده است. وقتی "جامعه" نداند که مجاهد در انتخابات ریاست جمهوری از آقای کرزی حمایت کرده است نه از کسی دیگر پس چگونه همهٔ گفته های آن را در این مقال به جد بگیریم و به پاسخ آنها بپردازیم و از لفظ تا معنی یا نویسندگان آن حساب کنیم؟! وبرای شان بگوییم آن جا که شما گفته اید مجاهد "همیشه با روحیهٔ منفی بافی از کوه کاه ساخته" است حتماً مرادتان عکس این گفته است چون شما می خواهید بگویید که مجاهد نقاط منفی را بزرگ می کند و از "کاه کوه" می سازد نه از کوه کاه.

•

اما اگر به دیدهٔ انصاف نگریسته شود یقیناً مجاهد با چنین روحیه یی پیوسته عمل کرده است، کوه منفی ها را کاه و کاه مثبت های دیگران را کوه خوانده است.

چنان که گفتیم ما سر پاسخ گفتن به همهٔ اتهامات "جامعه" را نداریم ولی در این جا تذکر این مطلب را مضاف بر آنچه گفته آمد لازم می دانیم که آرا و اندیشه های مقالات ونوشته ها و گفت وشنودهای منتشره در مجاهد جز سر مقاله ها چنان که پیوسته تذکار می یابد بستگی به نویسندگان وگویندگان آنها دارد ونه به ادارهٔ مجاهد. لذا اگر جامعه چیزی را در نوشتهٔ آقای مژده قابل نقد یافته بود می توانست آن را به آدرس ایشان مورد نقد قرار دهد ونه به آدرس مجاهد وآنهم در یک تعمیم و کلی گویی.

در آخر یک بار دیگر تأکید می کنیم که به یقین آنچه جامعه دربارهٔ مجاهد اتهام بسته است همه از نوع تیر در فضا رها کردن بوده است واگر "اندک دقت وبررسی" می کردند هرگز به چنین جسارتی مبادرت نمی ورزیدند.

نویسندهٔ مقاله سؤال تخصص را به این ارتباط مطرح کرده است نه این که به مذهب وزیر ایراد داشته باشد. چنان که در همین مقاله در بارهٔ اسماعیل خان اشارت رفته است که در گماریدن وی به عنوان وزیر انرژی و آب به تعهد وی توجه شده است و نه به تخصص او

آیا کوکنار به دکیمیاوی موادو په شیندلو تباه شی او که نه؟

د پورتني پوښتني په هکله د امریکایي ورځپاڼي لاس انجلس تایمز خبریال دسوني اپرین په لیکني یو مطلب خپور شوي.

ورځپاڼه لیکي دامریکا دمتحده ایالاتو ځیني لوړ رتبه ارکان غواړي چي په افغانستان کي دکوکنارو شنه فصلونه له پخیدو مخکي په هوائي دوا پاشی تباه کړي خکه که پاخه شي او اپین ورڅخه جوړشي د طالبانو جیبونه به له پیسو ډک شي اوله بلي خوا به دغربي هیوادونو مارکیټونه به له پوډرو ډک شي.

ځیني امریکائي مامورین اټکل کوي چي سږ کال به د کوکنارو له فصل څخه قاچاقبران اونور کارو باري کسان تقریباً اوه ملیارده ډالره لاس ته راوړي چي د تیر کال په پرتله چي دوه اعشاریه دوه ملیارده ډالرو ته رسیده، څو چنده زیاته وي. ورځپاڼه زیاتوي چي د امریکا بهرنیو چارو وزارت له کانګرس څخه د اوه سوه اتیا ملیونو ډالرو غوښتنه کړی چه دوه پنځوس ملیونه ډالره به د هوا له لاری د کوکنارو د فصلونو په تباه کولو کي مصرف شي او پاتي پیسي به ني د نیشه يي توکیو له قاچاق سره دمبارزي پرخلاف ولګیږي.

ورځپاڼه زیاتوي که څه هم کرزي دنیشه ني توکیو پرخلاف دجهاد اعلان کړي خو د هوا له لاري ني دله مینځه وړلو مخالف دي او ځیني امریکائي مامورین د کرزي دغه موقف تائیدوي او وائي که شنه فصلونه تباه شي نو په کلیو او باندو کي به خلک د کرزي له ملاتړ څخه لاس په سر شي او پارلماني انتخاباتو ته به زیان ورسیږي نو له دي امله دغه کار باید دپارلماني انتخاباتو دترسره کیدو پوري معطل شي.

ورځپاڼه دکانګرس دیوي معتبري سرچیني له قوله لیکي چي کانګرس تر اوسه پوري په دي باب کومي غوڅي پریکړي ته نه دي رسیدلي او په دي باب دافغانستان د چارو دیوه کارپوه (بارنټ روبین) له قوله زیاتوي چي له یوه خوا مونږ افغانانوته دا تلقین کوو چي افغانستان د ډموکراسي په لور روان دي او له بلي خوا په دي عمل سره ورته داثابتوو چي پارلماني انتخاباتو کي داسي یو حکومت ته رایه ورکړي چي بهرنیانو ته اجازه ورکړي چي دخلکو شنه فصلونه تباه کړي او دخلکو له خولي روزي واخلي.

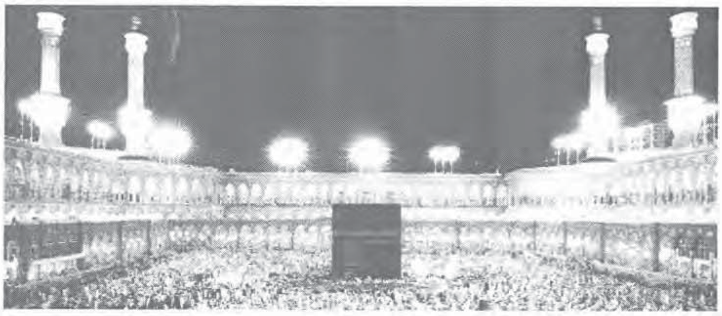
ورځپاڼه په پاي کي دامریکا په بهرنیو چارو وزارت کي د نیشه ني توکیو سره د مبارزي او په نړیوالو امنیتي چارواکي دیوه تن لوړ رتبه مامور د رابرت دي چارلس له قوله لیکي:

په دي خبره کي هیڅ شک نشته چي دکوکنارو او اپینو په پیسو طالبان او دحکومت مخالفان خانونه ساتي.

سید ناصر تقدسی

حج، تجمع بزرگ مسلمانان

حج، نمادی از گردهمایی جهانی است که در تاریخ بشر مانند ندارد و با هیچ همایش دیگری قابل مقایسه نمی باشد، مسلمانان در حج به یک صدا لبیک می گویند و در پیرامون یک محور (کعبهٔ مقدس) طواف می نمایند؛ کعبه یی که در دل و درون هر مسلمانی متدین و فرو تن جای دارد، این تجمع بزرگ تنها یک عبادت نیست که هر مسلمان باید ادایش کند بلکه همایش بزرگی است که مسلمانان از هر گوشه و کنار دنیا در آن حضور می یابند و براساس فرمودهٔ خدا" همه



به رسن الهی چنگ زنید و از هم پراگنده نگردید..."، وحدت وهمبستگی خود را در نیکو ترین شکل به نمایش می گذارند.

از همین رو، می توان گفت که حج تنها وسیله یی برای برگزاری چنین همایش شکوه مندی محسوب می گردد

و در خلال آن اخلاص انسان نسبت به پروردگارش به آزمایش گرفته می شود وتمام زنجیرهای خود پرستی، انانیت وخواهشات نفسانی از دست و پای آدمی شکسته می شود و انسان با تمام شاخصه های طبقاتی، نژادی و زبانی، خود را در همایش ایمانی بزرگی می بیند که در آن اهداف، اندیشه ها و آگاهی های همه، در یک جا ریشه دارد؛ و آن پرستش خدا و ابراز ارادت در برابر اوست، و آنگاه که انسان خود را درمیان انبوهی از مسلمانانی می بیند که از هر جا وهر گوشه یی به کعبه آمده اند، دیگر نوعی خود فراموشی برایش دست می دهد.

این نکته هم گفتنی است که خداوند از عبادت مخلوقات بی نیاز است، اما آن را به سود خود انسان مشروع گردانیده است تا راهکاری باشد برای تحقق اهداف انسانی و اجتماعی بشر و این امر در فریضهٔ حج به گونه یی روشن مورد تأکید قرار می گیرد، آیات و احادیث زیادی وجود دارد که از اهداف اجتماعی گونه گون به عنوان فلسفهٔ مشروعیت حج، سخن می گوید، چنان که خداوند می فرماید: "تا شاهد منافع گوناگون خویش باشند؛ و در ایام معینی نام خدا را ببرند..." یعنی مردمان در موسم حج باید به منافع و فواید دست یابند، وبی تردید بهترین منافع حج منافع اجتماعی و دینی آن است که در این همایش به ظهور می پیوندد و مسلمانان را به احساس همدردی وهمزیستی وامی دارد که ما از ده ها منافع این فریضهٔ الهی به چندتای آن اشاره می کنیم:

تعارف

حج برای مسلمانان، یگانه راه تعارف وهمآهنگی و ازمیان برداشتن مرزهای زبانی، نژادی، طبقاتی وجغرافیایی است؛ چیزهایی که از مهم ترین موانع وحدت مسلمانان به حساب می رود. حج میان مسلمانان پیوند دوستی ایجاد می کند و رواسبی را که در اثر دوری مسافات زمانی و مکانی و ناهمآهنگی فکری، در بین مردم ایجاد شده، نابود می سازد.

مصالح دنیایی

مصلحت، پیشرفت و سعادت مسلمانان بر این عبادت بزرگ که انسان را به مسیر درست استقامت می دهد بستگی دارد،

برخی ها گمان می برند که دین سعادت و رفاه دنیا را دربر ندارد، در حالی که عکس موضوع درست است، و بی گمان فروگذاشت دین زمینه ساز عقب مانی است، وحج بهترین راه برای وحدت کلمه و تحقق مقاصد شریعت در راستای

پیشرفت وخوشبختی بشر تلقی می گردد.

حج بهترین راه برای شناخت اهداف ومقاصدی است که دعوت اسلامی در خود دارد وپیامبر صلی الله علیه وسلم آن رادر قالب یک سلسله ارزش های متعالی

> **حج برای مسلمانان، یگانه راه تعارف وهمآهنگی و ازمیان برداشتن مرزهای زبانی، نژادی، طبقاتی وجغرافیایی است؛ چیزهایی که از مهم ترین موانع وحدت مسلمانان به حساب می رود.**

مانند آزادی، برادری، یگانگی وشورا مطرح نمود، و پای بندی به این ارزش ها را، برنامه یی ثابت در راه پویایی امت تلقی کرد.

تکامل و همدردی

حج حس تکامل وتکافل وهمدردی میان مسلمانان را به هر رنگ، نژاد، وجهتی که بستگی دارند، زنده می کند، و مضمون واقعی تحول به سوی تکامل ویک رنگی و یگانگی را به نمایش می نشیند ومسلمانان را به حیث یک کل تجزیه ناپذیر می شناساند.

عزت و سرفرازی

با ایجاد خودکفایی عزت، استقلال وسربلندی مسلمانان تحقق می یابد، و با تجارت آزاد، شهرهای مختلف اسلامی از لحاظ اقتصادی به رشد نایل می شود لذا حج بهترین راه برای خود کفایی اقتصادی وهمکاری بازرگانی در بین کشورهای اسلامی است.

استحکام روابط و پخش آگاهی

یکی دیگر از منفعت های حج



استحکام روابط و پخش بیداری درمیان مسلمانان است، ومسلمانان در موسم حج از حالات و اوضاع خوب و بدکشورها وملت های یکدیگر با خبر می شوند و از همین جا روح همکاری درمیان آنان

دمیده می شود، وتمام حقایق و اموری که باید یک مسلمان به آن پای بست باشد و یا از آن بپرهیزد، برایشان روشن می گردد.

همایش بی نظیر

مناسک حج، درجاهای مختلف، مسلمانان را به تجمع وگردهمایی فرا می خواند. و این موضوع، می رساند که حج فقط به عنوان یک امر عبادی منظور نیست بلکه خوب ترین وسیله برای همایش مسلمانان وتحقق اهداف بلند اسلامی است.

> **حج حس تکامل وتکافل وهمدردی میان مسلمانان را به هر رنگ، نژاد، وجهتی که بستگی دارند، زنده می کند، و مضمون واقعی تحول به سوی تکامل ویک رنگی و یگانگی را به نمایش می نشیند**

حج، نوعی از انواع جهاد است که سعی عملی مسلمانان را به منظور حفظ کیان دین وارزش های انسانی تمثیل می کند، ومسلمانان از هر جا ومتعلق به هر نژادی که هستند کوشش و فعالیت خود را به خاطر حفظ دین و وحدت و عزت خود در یک مسیر همآهنگ می سازند. چه کعبهٔ مقدس یگانه محوری است که مسلمانان سراسر جهان را با همه گونه گونی هایی که از نظر رنگ، نژاد و... دارند به خود متوجه می سازد، از این رو، تا زمانی که کعبه وجود دارد، دین هم پاینده خواهد بود.

در روزهای حج مسلمانان به موفقیت هایی در نتیجهٔ فراهم بودن زمانی ومکانی ویگانگی هدف دست می یابند که در غیر حج امکان پذیر نیست از جمله:

شرایط زمانی: بسیاری از کنفرانس ها وهمایش ها به علت عدم توافق برسر زمان برگزاری آن، ناکام بوده است اما حج یک اعلان رسمی است از جانب پروردگار که مسلمانان در ماه های حج به منظور ادای این شعایر عبادی وتمدنی باید گردهم بیایند، چنان که خداوند می فرماید: "ومردم را دعوت عمومی به حج کن؛ تا پیاده وسواره بر مرکب های لاغر از هر راه دوری به سوی تو بیایند. وشاهد منافع گوناگون خود باشند؛ و در ایام معینی خدا را یاد کنند...".

شرایط مکانی: بسیاری از انجمن ها و گردهمایی های دیگر به سبب عدم توافق بر مکان برگزاری آن، به ناکامی مواجه شده است، ولیکن کعبهٔ شریف، قبلهٔ مسلمانان را تشکیل می دهد و قداست آن در دل های خورد وکلان امت اسلامی رسوخ دارد، وهرمسلمانی در زمان حج آرزوی دیدار آن را در سر می پرورد.

یگانگی هدف: چنان که می دانیم هیچ همایشی بدون اتفاق نظر اشتراک کنندگان آن مبنی بر تحقق یک هدف مشخص به نتیجهٔ مطلوب نمی رسد. و در حج چنین کار به صورت بدیهی تحقق پذیر است؛ چه در موسم حج، حجاج مسلمان خود را به معنای واقعی کلمه تسلیم آفریدگار خود می کنند و در دریای بیکران اسلام و آموزه های متعالی آن شناور می شوند و سرانجام برای برآوردن هدفی که قرآن جلو چشم شان ترسیم کرده است همدست می گردند.

شرایط روانی: بسیاری از مردم در زندگی عادی خود، تا زمانی که منافع شخصی و یا گروهی خود را درکاری نبینند، به آن مبادرت نمی ورزند. و این امر در گردهمایی ها وکنفرانس های منطقه یی وبین المللی نیز صادق می باشد!!. و از همین خاطر است که گاه گاه برخی از این گردهمایی ها در اثر خودخواهی ومنفعت جویی بعضی از شرکت کننده ها به نتیجه نمی رسد، اما در حج قضیه کاملاً برعکس است، زمانی که انسان لباس های زینتی خود را از تن بیرون می کند و احرام می بندد، به این معناست که او دیگر به انانیت، خودخواهی، گروه گرایی ومنفعت طلبی پشت کرده وخویشتن خود را در همایش بزرگ مسلمانان از هر لحاظ، به تحلیل برده است، و در همین جاست که بهترین شرایط روانی ایجاد می شود ومسلمان با استفاده از این وضع به خوبی می توانند خود را دست و پا بسته بندهٔ واقعی خدا بدانند و به اوامر او با کمال خشوع وفروتنی وجدیت گوش فرا دهد.

به یقین که اگر ما اندکی در مفاهیم حج تأمل کنیم، درمی یابیم که هرگامی از گامهای حجاج، در واقع تطبیق عملی یک هدف بزرگ اسلامی می باشد، که در حج منظور شده است.

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم سال سوم شمارهٔ ۳۹ چهارشنبه ۲۳ جدی ۱۳۸۳ ۲ ذی الحجه ۱۴۲۵ - 12 January 2005

محمود عباس رئیس ادارهٔ خودگردان فلسطین شد

در انتخابات روز یک شنبه فلسطین، محمود عباس به عنوان رئیس ادارهٔ خود گردان فلسطین انتخاب شد. او در پی مرگ یاسر عرفات ، رهبر فقید فلسطینیان در۱۱ نوامبر ۲۰۰۴ به عنوان رهبر سازمان آزادی بخش فلسطین برگزیده شد. محمود عباس که ۶۹ سال دارد از سوی جنبش فتح در انتخابات نامزدشده بود. او در ماه می ۲۰۰۳ به عنوان نخست وزیر تشکیلات خود گردان فلسطین برگزیده شد اما چهار ماه بعد استعفا داد.

تصور می شد دوران نخست وزیری او فصل جدیدی در رابطهٔ اسرائیل با فلسطینیان بکشاید و طرح صلح موسوم به نقشهٔ راه را به ثمر برساند . اما کشمکش بین جنبش حماس و اسرائیل محمود عباس را به حاشیه راند ، از سوی دیگر اختلاف میان او و یاسر عرفات که از دادن اختیارات اصلی به وی امتناع می کرد، قدرت عمل محمود عباس را محدود ساخت. عباس با گرفتن بیش از ۶۲ در صد آرا برندهٔ انتخابات اعلان شد .

و بعد از اعلان نتایج انتخابات گفت : دست صلح و آشتی به سوی اسرائیل دراز می کند. اکثر کشورهای جهان پیروزی عباس را تبریک گفته و رئیس جمهور آمریکا از وی دعوت به عمل آورد تا در کاخ سفید با وی مذاکره کند و او بر پایهٔ همین دعوت اکنون وارد امریکا شده است. امریکا در گذشته از ملاقات با یاسر عرفات رهبر فلسطینیان ابا ورزیده بود .



همایش کشور های همسایهٔ عراق

وزرای خارجهٔ کشورهای همسایهٔ عراق در هفتهٔ گذشته بادرخواست از تمام مردم عراق برای مشارکت در انتخابات پایان ماه جنوری به نشست خود در عمان پایتخت اردن پایان دادند. آن ها همچنان قول دادند که کشورهای شان در امور داخلی عراق مداخله نخواهد کرد. ایران در اعتراض به اظهارات اخیر ملک عبدالله شاه اردن، دایر بر این که ایران قصد دخالت در امور داخلی عراق را دارد، هیأتی پایین رتبه به این کنفرانس اعزام کرد. ملک عبدالله چندی پیش در مصاحبه یی گفته بود که رهبران جمهوری اسلامی ایران به دنبال روی کار آوردن یک حکومت شیعی در عراق و تشکیل "هلال شیعی" در خاور میانه اند. در این کنفرانس از همه گروه های عراقی در خواست شده است در انتخابات اشتراک نمایند.

کشورهای عربی همسایهٔ عراق، از آن هراس دارند که تقسیم قدرت به هر ترتیب باعث به حاشیه را نده شدن سنی ها خواهد شد. وزرای خارجهٔ کشور های همسایهٔ عراق، و مصر در این کنفرانس همچنان بر عدم دخالت در امور این کشور تأکید کردند. آمریکا و عراق، کشور های ایران و سوریه را به حمایت از شورشیان در عراق متهم کرده اند.

درگیری نیروهای پاکستانی واردوی ملی در مناطق مرزی

در یک زدو خورد مرزی که روز دوشنبه- ۱۴ جدی در مناطق کوهستانی وزیرستان شمالی صورت گرفت یک سرباز پاکستانی کشته و سه نفر دیگر مجروح گردیدند. سخنگوی نیروهای ائتلاف در افغانستان علت این زد و خورد و تبادل آتش را سوء تفاهم خواند. روزنامهٔ دان چاپ پاکستان تعداد کشته شدگان در این زدو خورد را پنزده نفر خوانده است که همه مربوط اردوی ملی افغانستان می باشند. آقای عظیمی سخنگوی وزارت دفاع روز پنجشنبه ۱۷ جدی با رد این خبر گفت که نیروهای اردوی ملی افغانستان در این برخورد کشته و یا مجروح نشده اند سخنگوی نیروهای ائتلاف گفت: هزار ها نفر از نیروهای پاکستانی و اردوی ملی افغانستان و نیروهای امریکایی در طول دو هزار و چهار صد کیلو متر مرز میان افغانستان و پاکستان مشغول مبارزه علیه جنگجویان طالبان وشبکهٔ تروریستی القاعده می باشند. مناطق قبایلی وزیرستان از ماه حمل بدین سو صحنهٔ جنگ ها و برخورد ها میان نیروهای امنیتی و افراد مربوط به القاعده می باشد.

موافقت نامهٔ صلح میان دولت سودان و شورشیان آن کشور به امضا رسید

توافق نامهٔ صلح بین دولت سودان وشورشیان جنوب آن کشور طی مراسمی با حضور مقامات کشور های مختلف در نایروبی پایتخت کینیا به امضا رسید. این توافقنامه روز یکشنبه ۲۰ جدی علی عثمان طه معاون رئیس جمهوری سودان به امضا و جان تحارانک، رهبر ارتش آزادی بخش خلق سودان رسید. در پی بیش از دو دهه جنگ داخلی که طولانی ترین جنگ قارهٔ آفریقا می باشد بیش از دو میلیون انسان کشته شده است.

در مراسم امضای قرار داد در نایروبی رهبران چندین کشور آفریقایی ومقامات چندین کشور دیگر از جمله وزیر خارجهٔ امریکا شرکت داشتند.

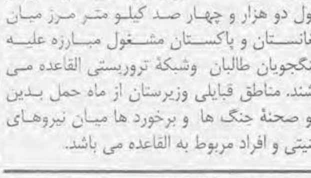
اکثر مردم سودان مسلمان هستند و اقلیت عیسوی در جنوب این کشور نیز زندگی می کند.

موافقت نامهٔ جدید حاوی طرحی برای تقسیم قدرت سیاسی از جمله ورود کمارانک به دستگاه دولت به عنوان معاون اول رئیس دولت و معافیت اهالی جنوب از قوانین و شریعت اسلامی است. همچنین در موافقت نامه پیش بینی شده است که مناطق جنوبی از خود مختاری ادارهٔ امور داخلی، برخوردار شوند و ظرف شش سال موضوع استقلال این منطقه به همه پرسی گذاشته شود. عواید ناشی از ذخایر نفتی جنوب نیز بین دولت مرکزی و دولت محلی به طور مساوی تقسیم می شود. و در توزیع سمت های دولتی و تخصیص بودجه، رسماً نام اهالی جنوب گرفته خواهد شد.

عراق در آستانهٔ انتخابات ...

ورزیده است که به تأخیر انداختن انتخابات تنها بر تهدید ها خواهد افزود. خشونت ها در چند روز اخیر باعث کشته شدن بیشتر از صد تن شده است. که بیشتر آنها عراقی اند. روز ۱۷ جدی در اثر انفجار بمبی در بغداد که در کنار جاده یی جا گذاری شده بود ، هفت سرباز امریکایی کشته شدند. روز ۱۹ جدی بر اثر یک حملهٔ انتحاری، در مقابل یک پوستهٔ بازرسی گاردملی عراق ۴ غیر نظامی کشته و ۱۹ نفر دیگر به شدت مجروح شدند. پلیس عراق گفت این حملهٔ انتحاری در روستای محاویل در ۸۰ کیلومتری بغداد صورت گرفته است. در همین روز یک طیارهٔ آمریکایی هنگام پرتاب بمب ۲۵۰ کیلویی هدایت شونده با لیزر دچار اشتباه شد، و بمب آن به یک خانهٔ مسکونی در جنوب موصل اصابت کرد.

ساکنان قریهٔ عیشه در جنوب موصل که خانه های آنها مورد هدف قرار گرفته است تعداد کشته شدگان را ۱۴ نفر و تعداد زخمی ها را ۵۱ نفر گزارش داده اند. قرار یک گزارش دیگر، پنتاگون (وزارت دفاع آمریکا) تعداد نظامیان آمریکایی مجروح شده در جنگ عراق را از زمان آغاز عملیات در مارچ ۲۰۰۳ تا کنون بیشتر از ده هزار نفر اعلام کرده است. اما این منبع تعداد کشته شده گان را واضح نساخته است.



تیر در فضا رها کردن

پاسخ "مجاهد" به نشریهٔ "جامعه"

در شمارهٔ ۳۷ مؤرخ ۹ جدی هفته نامهٔ مجاهد، تحت عنوان (سؤالاتی در رابطه به کابینهٔ جدید) به قلم آقای وحید مژده به نشر رسیده بود که بعداً رادیوی بی بی سی فقط بخشی ازیک پاراگراف آن را در مروری که بر مطبوعات چاپ کابل داشت، به نشر سپرد.

هفته نامهٔ "جامعه" در مطلبی زیر عنوان "نشریهٔ مجاهد به کجا می رود؟" که گویا یکی از خوانندگان آن به آن نشریه ارسال داشته است به مجاهد تاخته و دست اندرکاران آن را به نادانی و نداشتن دقت و بررسی متهم کرده است. منبع استناد آنان در این اتهام به تصریح نویسنده نیز همان مطلب منتشره از طریق بی بی سی بوده است ونه مطلب چاپ شده در نشریهٔ مجاهد!

این که نویسنده خود تا چه حد از نعمت آنچه که دیگران را به نداشتن آن متهم کرده برخوردار است، قضاوت را به خوانندگان می گداریم اما سخن ما با دست اندرکاران نشریهٔ جامعه است که نمی دانیم در رابطه با مطالبی که از خارج دریافت می دارند چه معیار هایی را در نشر آن مورد نظر قرار می دهند. در مجاهد روال کار براین است که اگر کسی بر مطلب منتشر شده در نشریه یی اعتراضی ارسال دارد، ما آن مطلب را با اعتراض یکجا مورد مطالعه قرار می دهیم. در صورتی که اعتراض وارد نباشد از نشر آن معذرت می خواهیم.

اگر نویسنده و یا دست اندر کاران "جامعه" مقالهٔ منتشره در مجاهد را می خواندند و اندکی دقت می کردند متوجه می شدند که هدف، از آنچه نویسندهٔ جامعه برداشت نموده است کاملاً فرق دارد.

موضوع محوری مقالهٔ آقای وحید مژده بررسی کابینه از نظر تخصص و مشارکت ملی و نیز موضوع رعایت دو تابعیت نداشتن وزیران بود که بخش هایی از آن را در اینجا نقل می کنیم:

"آقای کرزی وعده داده بود تا کابینه یی به ملت معرفی کند که هم اصل تخصص و شایسته سالاری و هم اصل مشارکت ملی در آن تحقق یابد.

" در این کابینه تلاش به عمل آمده است تا حضور هریک از اقوام افغانستان تمثیل گردد ودر عین حال اصل تخصص نیز مراعات شود. آقای کرزی از تنگنای دو انتخاب که می توانست یکی دیگری را تحت تأثیر قرار دهد تا حد زیادی موفق به در آمد. اگر اصل تخصص به این معنی باشد که باید هر وزیر در عرصهٔ تخصصی خودش به کار گرفته شود دراین صورت می توان گفت کابینه از این نظر به کاستی هایی مواجه است. تعدادی از وزراء هرچند برخوردار از تحصیلات عالی اند اما در رشتهٔ تخصصی خودشان به کار گماشته نشده اند که این خود به معنی نادیده گرفتن اصل شایسته سالاری است...."

مسألهٔ سؤال برانگیز دیگر در این کابینه انتصاب آقای دانش به حیث وزیر عدلیه است.

ص ۶